



ORIGINAL RESEARCH PAPER

A systematic approach to the innovations in curriculum planning approaches and their role in education and upbringing

Azam Motamedi*, ¹

¹ Department of Educational Sciences, Farhangian University, PO Box 889-14665, Tehran, Iran.

ABSTRACT

Keywords:

- . Modern approaches
- . curriculum
- . developments
- . education and upbringing

1 .Corresponding author

✉ azammotamedi90@gmail.com

Background and Objectives: Studying curriculum planning approaches helps educational planners design more effective programs that cater to the needs of students. This research examines the recent developments in curriculum planning approaches and their role in education and upbringing. **Methods:** A systematic approach was employed for this purpose. Sample research resources related to the research topic were selected to provide the researcher with the best available information per the research question. After reviewing these resources, the researcher analyzed the information, categorizing them based on their influential and adaptable roles in relevant domains. These categories were divided into principles and ideologies underpinning modern curriculum planning developments, theories and models, changes in educational policy, types of modern curriculum planning approaches and derived teaching principles and patterns, developments in assessment and evaluation, and challenges arising from these changes. **Findings:** The findings have demonstrated that the performance of curriculum planning approaches is influenced by the historical, cultural, and social context, and modern curriculum planning approaches are moving towards a responsive approach within the societal framework. **Conclusion:** To respond to the recent developments in the educational sector, curriculum planning needs to be adjusted to align with the changing needs of society. For this reason, there is a need for collaboration between schools, universities, educational organizations, and the government to improve education in our country.

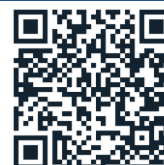
ISSN (Online): 2980-7948

DOI: 10.48310/jcdr.2024.16776.1108

Received: 2024-08-03 Reviewed: 2024-09-22 Accepted: 2024-09-30 PP:81-94

Citation (APA): Motamedi, A. (2024). A systematic approach to the innovations in curriculum planning approaches and their role in education and upbringing. *Journal of research in Curriculum Studies*, 4(6), 81-94.

 [https://doi.org/ 10.48310/jcdr.2024.16776.1108](https://doi.org/10.48310/jcdr.2024.16776.1108)



رهیافتی سیستماتیک از تحولات نوین رویکردهای برنامه ریزی درسی و نقش آن بر تعلیم و تربیت

مقاله پژوهشی / مروری

اعظم معتمدی^{۱*}

۱. گروه آموزشی علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، کد پستی ۱۴۶۶۵۸۸۹، تهران، ایران.

چکیده

پیشینه و اهداف: مطالعه رویکردهای برنامه ریزی درسی کمک می کند تا برنامه ریزان آموزشی برنامه ها را مؤثرتر طراحی کرده و به نیازهای دانش آموزان پاسخ دهند. هدف این پژوهش بررسی تحولات نوین رویکردهای برنامه درسی و نقش آن بر تعلیم و تربیت است. **روش ها:** برای این منظور از روش سیستماتیک استفاده شده است. نمونه پژوهش منابع مرتبط مربوط به موضوع پژوهش بودند که بهترین اطلاعات را در اختیار پژوهشگر و در راستای سوال پژوهش قرار می دادند. پس از مطالعه منابع، پژوهشگر اطلاعات را تحلیل کرده، آنها را با توجه بر نقش اثرگذار و اثرپذیر آنها در حوزه های مرتبط طبقه بندی کرده است. این طبقه ها در عناوینی چون اصول و ایدئولوژی هایی در پایه گذاری برنامه ریزی درسی نوین تحولات، نظریه ها و مدل ها، تغییرات در سیاست گذاری آموزشی، نوع رویکردهای برنامه ریزی نوین و اصول و الگوهای تدریس برخاسته از آن، تحولات رخ داده در ارزیابی و سنجش و تدریس و آموزش منبث از این تغییرات و چالش های پیش روی این تغییرات تقسیم شدند. **یافته ها:** یافته ها نشان داد کارکرد رویکردهای برنامه ریزی درسی با توجه به بستر تاریخی فرهنگی و اجتماعی بوده است و رویکردهای نوین برنامه ریزی درسی به سمت یک رویکرد پاسخگو محور در بستر جامعه حرکت کرده است. **نتیجه گیری:** برای پاسخگویی به تغییرات جدید در حوزه آموزش و پرورش، باید برنامه ریزی درسی را به گونه ای تغییر داد تا با نیازهای جدید جامعه سازگار باشد. به همین دلیل، نیاز به همکاری بین مدارس، دانشگاه ها، سازمان های آموزشی و دولت وجود دارد تا بتوان به بهبود آموزش و پرورش در کشورمان دست یافت.

از دستگاه خود برای اسکن و خواندن مقاله به صورت آنلاین استفاده کنید



DOI:
10.48310/jcdr.2024.16776.1108

واژه های کلیدی:

• رویکردهای نوین
• برنامه ریزی درسی
• تحولات
• تعلیم و تربیت

۱. نویسنده مسئول

azammotamedi90@gmail.com✉

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳-۰۵-۱۳ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳-۰۷-۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳-۰۷-۰۹ شماره صفحات: ۸۱-۹۴

COPYRIGHTS



©2024 Motamedi, A.. This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.

مقدمه

با مروری بر تاریخچه برنامه‌ریزی درسی و رویکردهای آن می‌توان نتیجه گرفت که تحولات گسترده‌ای در رویکردهای برنامه‌ریزی درسی در گذشته روی داده است. اما آنچه مسلم است هر یک از این رویکردها با تأثیرشان بر تعلیم و تربیت دانش‌آموزان، به شکلی در توسعه آموزش و پرورش موثر بوده‌اند (American Psychological Association, 2000). از جمله تغییرات مهم در رویکردهای برنامه‌ریزی درسی در گذشته می‌توان به تغییرات در محتوای دروس، رویکرد مهارتی، رویکرد انتقادی، رویکرد مبتنی بر شبکه‌های معلوماتی، رویکرد محیطی و رویکرد مبتنی بر اهداف اشاره کرد (Wiles, 2009).

در ابتدای رویکردهای برنامه‌ریزی درسی، تمرکز بر روی محتوای دروس و نشان دادن آن به دانش‌آموزان بود. این رویکرد در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ بسیار پرطرفدار بود. گذر زمان، به شناخت بهتر نیازهای دانش‌آموزان و توجه به مهارت‌های اجتماعی، روانشناختی و فردی منجر شد. در دهه ۱۹۶۰، برنامه‌ریزان به مهارت‌هایی مانند تفکر انتقادی و حل مسئله توجه کردند. این رویکرد با انتقال تمرکز از حفظ و نمره‌دهی به دانش‌آموزان به توسعه مهارت‌های کاربردی منجر شد. در دهه ۱۹۷۰، رویکرد انتقادی شکل گرفت. این رویکرد تأکید بر مطالعه و تحلیل نظریه‌های مربوط به تفکر انتقادی داشت تا دانش‌آموزان را توانمند به تحلیل و ارزیابی اطلاعات کند. در دهه ۱۹۹۰، با رشد اینترنت و فناوری اطلاعات و ارتباطات، برنامه‌ریزان به رویکردهای بر اساس فناوری تمرکز کردند. در دهه ۲۰۰۰، رویکرد محیطی شکل گرفت. در این رویکرد، توجه به محیط زیست و تأثیر آن بر تعلیم و تربیت دانش‌آموزان مدنظر بود. در دهه ۲۰۱۰، برنامه‌ریزان به رویکردهای مبتنی بر اهداف تمرکز کردند. در این رویکرد، توجه به تعیین اهداف آموزشی و توسعه مهارت‌های لازم برای رسیدن به آنها بود (Jackson & Davis, 2019).

بنابراین، تغییرات در رویکردهای برنامه‌ریزی درسی در گذشته آنقدر گسترده و متنوع بودند که نشانگر تحولات عمیق در آموزش و پرورش بودند. این تغییرات، به دانش‌آموزان کمک کردند تا مهارت‌های مورد نیاز برای زندگی روزمره و کاری خود را توسعه دهند و به عنوان شهروندان فعال و متعهد به جامعه شناخته شوند. در حال حاضر، این تحولات همچنان ادامه دارند و رویکردهای برنامه‌ریزی درسی به سمت توجه به نیازهای شخصی و اجتماعی دانش‌آموزان، توسعه مهارت‌های دیجیتال و توجه به محیط زیست و پایداری در حال حاضر گسترش می‌یابند (Keating, 2018).

با نگاهی از دریچه تاریخ به این تحولات رویکردی در برنامه‌ریزی درسی می‌توان نتیجه گرفت رویکردهای برنامه‌ریزی درسی تحت تأثیر تاریخ، فرهنگ و سیاست قرار گرفته‌اند و این تأثیرات می‌تواند در بسیاری از جوامع و کشورها متفاوت باشد. برای نمونه تاریخ به عنوان یکی از عوامل مهم در تحول رویکردهای برنامه‌ریزی درسی محسوب می‌شود. به عنوان مثال، در کشورهایی که تحت حکومت استعماری قرار داشته‌اند، درس‌های تاریخ به شکلی طراحی شده‌اند که تأکید بیشتری بر تاریخ ملت‌های استعماری و کمتر بر تاریخ ملت خود دارند. در کشورهایی که دارای چند فرهنگی هستند، درس‌های فرهنگی به شکلی طراحی شده‌اند که تأکید بر فرهنگ و تاریخ ملتها و گروه‌های اقلیتی داشته باشند (Genovesi et al, 2016).

فرهنگ به عنوان یکی از عوامل مهم در تشکیل رویکردهای برنامه‌ریزی درسی محسوب می‌شود. به عنوان مثال، در برخی از کشورهای اسلامی، درس‌های مذهبی به شکلی طراحی شده‌اند که تأکید بیشتری بر آموزش اصول دینی و قرآن دارند. در کشورهایی که دارای فرهنگ بومی هستند، درس‌های فرهنگی به شکلی طراحی شده‌اند که تأکید بیشتری بر آموزش فرهنگ و تاریخ مردمان بومی داشته باشند. همین‌طور سیاست به عنوان یکی از عوامل مهم در تحول رویکردهای برنامه‌ریزی درسی محسوب می‌شود. در برخی از کشورها، رویکردهای برنامه‌ریزی درسی به شکلی تعیین می‌شوند که تأکید بر آموزش مفاهیم سیاسی و ایدئولوژیک دارند. در برخی دیگر از کشورها، رویکردهای برنامه‌ریزی درسی به شکلی طراحی شده‌اند که تأکید بیشتری بر آموزش مفاهیم علمی و فنی دارند. در کشورهایی دارای نظام آموزشی دولتی، دولت معمولاً نقش مهمی در تعیین رویکردهای برنامه‌ریزی درسی دارد (Ornstein et al, 2015). تاریخ، فرهنگ و سیاست به شکل‌های متفاوتی در جوامع و کشورها بر رویکردهای برنامه‌ریزی درسی اثرگذار بوده‌اند. برای طراحی و اجرای یک برنامه درسی مناسب و موثر در جامعه بررسی و تحلیل نقش و تأثیر این عوامل در تحول رویکردهای برنامه‌ریزی درسی لازم است (Powell & Herman, 2014).

اگرچه رویکردها از سیاست و فرهنگ و تاریخ تاثیر پذیر بوده اند اما خود نیز اثرگذار بوده اند. بررسی روند تاریخ رویکردها گویای آن است که رویکردهای برنامه ریزی درسی در زمان خود بر تعلیم و تربیت تأثیراتی گذاشته‌اند که هنوز هم در بسیاری از جوامع و کشورها اثراتی از آنها مشاهده می‌شود. به عنوان مثال در گذشته، رویکرد ترکیبی برای برنامه‌ریزی درسی مورد استفاده قرار می‌گرفت. در این رویکرد، آموزش مفاهیم علمی و تاریخی به همراه آموزش مفاهیم دینی و اخلاقی ارائه می‌شد. این رویکرد در بسیاری از جوامع و کشورها مورد استفاده قرار می‌گرفت و تأثیرات مثبتی بر تعلیم و تربیت دانش‌آموزان داشت (همان).

همین طور در بسیاری از کشورها، آموزش مفاهیم دینی به عنوان یکی از اصول برنامه‌ریزی درسی مورد استفاده قرار می‌گرفت. در این رویکرد، هدف از آموزش، آشنایی دانش‌آموزان با مفاهیم دینی و اخلاقی بود. این رویکرد در بسیاری از جوامع و کشورها تأثیرات مثبتی بر تعلیم و تربیت دانش‌آموزان داشته است و نیز در بسیاری از کشورها، رویکرد علمی برای برنامه‌ریزی درسی مورد استفاده قرار می‌گرفت. در این رویکرد، هدف از آموزش، آشنایی دانش‌آموزان با مفاهیم علمی و فنی بود. این رویکرد در بسیاری از جوامع و کشورها تأثیرات مثبتی بر تعلیم و تربیت دانش‌آموزان داشته است (Ornstein & Hunkins, 2018).

با توجه به تاثیر پذیری و تاثیرگذاری رویکردها و وابسته بودن نقش آنها در بستر محیط، رویکردها هم می‌توانند اثر مثبت و هم اثر منفی داشته باشند. و لازم است همیشه در تعیین رویکردهای مناسب برای برنامه‌ریزی درسی، نقش و تأثیرات متعددی را در نظر گرفت. این مطلب بیانگر این است که چالش‌هایی در رویکردهای برنامه‌ریزی درسی در گذشته وجود داشته است. برای مثال، برای برنامه‌ریزی درسی، زیرساخت‌های لازم نیاز بود که در بسیاری از کشورها وجود نداشت. برای مثال، نبود کتاب‌های درسی مناسب، نبود دسترسی به تکنولوژی‌های آموزشی، و نبود کافی از معلمان متخصص، به چالش‌هایی برای برنامه‌ریزی درسی منجر می‌شد. راه‌حلی که برای این چالش‌ها پیشنهاد شده است، شامل توسعه زیرساخت‌های لازم برای آموزش، توسعه کتاب‌های درسی مناسب، آموزش و توسعه معلمان متخصص و توسعه تکنولوژی‌های آموزشی مدرن است (Abdi & Giroux, 2013).

تفاوت‌های فرهنگی و زبانی، در برنامه‌ریزی درسی در گذشته نقش مهمی داشت. برای مثال، در برخی از کشورها، زبان درسی متفاوت از زبان مادری دانش‌آموزان بوده است که باعث مشکلاتی در فرایند آموزش و یادگیری شده است. راه‌حلی که برای این چالش‌ها پیشنهاد شده است، شامل توسعه برنامه‌های آموزشی مناسب برای دانش‌آموزان با تفاوت‌های فرهنگی و زبانی، استفاده از معلمان متخصص و مسلط به زبان و فرهنگ دانش‌آموزان، و توسعه کتاب‌های درسی مناسب برای دانش‌آموزان با تفاوت‌های فرهنگی و زبانی است. تفاوت‌های اقتصادی در برنامه‌ریزی درسی نیز در گذشته چالش‌هایی برای آموزش و تربیت دانش‌آموزان به وجود آورده است. برای مثال، در برخی از کشورها، تفاوت‌های اقتصادی باعث می‌شد که دانش‌آموزان به منابع آموزشی کمتری دسترسی داشته باشند. راه‌حلی که برای این چالش‌ها پیشنهاد شده است، شامل توسعه برنامه‌های آموزشی مناسب برای دانش‌آموزان با تفاوت‌های اقتصادی، توسعه برنامه‌های کمکی و حمایتی برای دانش‌آموزان نیازمند، و توسعه منابع آموزشی رایگان و با ارزش افزوده برای دانش‌آموزان است (Lawton, 2014).

در نگاهی تاریخی به چالش‌های رویکردهای برنامه ریزی درسی می‌توان نتیجه گرفت که چالش‌های برنامه‌ریزی درسی در گذشته بسیار گسترده و متنوع بوده‌اند و راه‌حلی که برای آنها پیشنهاد شده است، متناسب با هر چالش بوده است. با این حال، توجه به نیازهای دانش‌آموزان و توسعه زیرساخت‌های لازم برای برنامه‌ریزی درسی، همچنان از اهمیت بالایی برخوردار است (Keating, 2018).

در ایران نیز در گذشته رویکردهای برنامه‌ریزی درسی بر تعلیم و تربیت کشور تأثیرات گسترده‌ای گذاشته‌اند برای مثال، رویکردهای برنامه‌ریزی درسی در گذشته، بر سیستم آموزشی در کشور ایران تأثیرات قابل توجهی داشته‌اند. برنامه‌ریزی درسی در گذشته، به عنوان یک ابزار مهم در سیستم آموزشی مورد استفاده قرار گرفته و به بهبود کیفیت آموزش و یادگیری در مدارس کمک کرده است. این رویکردها بر محتوای آموزشی و تدوین آنها، روش‌های آموزشی و روش‌های ارزیابی با نظرگاه‌های ویژه، بر بهبود کیفیت آموزش و یادگیری اثرگذار بوده‌اند (Hoveyda, 1991).

بدیهی است صرف نظر از اثرگذاری مثبت این رویکردها بر تعلیم و تربیت کشور، برای بهبود کیفیت آموزش و یادگیری در کشور، نیازمند توسعه رویکردهای برنامه‌ریزی درسی مدرن و جدید و استفاده از تکنولوژی‌های پیشرفته و

شناختی هستیم. این رویکردها باید بر اساس نیازهای جامعه و با توجه به محدودیت‌ها و مسائل موجود در کشور، تدوین و پیاده‌سازی شوند. همچنین، نیاز به توجه به توسعه مهارت‌های فردی و اجتماعی دانش‌آموزان و تسهیل یادگیری مستمر آن‌ها در طول دوره تحصیلی می‌باشد (Keating, 2018).

پیشینه پژوهش

بی تردید استفاده از تجربیات گذشته در رویکردهای برنامه‌ریزی درسی می‌تواند بهبود و کیفیت آموزش و یادگیری در آینده را تضمین کند. برای بهره‌گیری از تجربیات گذشته در رویکردهای برنامه‌ریزی درسی، ابتدا باید مطالعه دقیق و جامعی از سابقه و تجربیات گذشته صورت گیرد. این مطالعات می‌تواند شامل مرور دوره‌های آموزشی و تحقیقات پیشین در زمینه برنامه‌ریزی درسی باشد. پس از مطالعه تجربیات گذشته، باید این تجربیات را تحلیل کرد تا مشکلات و نواقص در رویکردهای برنامه‌ریزی درسی شناسایی شود. این تحلیل می‌تواند شامل بررسی رویکردهای موفق و ناموفق در گذشته، تحلیل روش‌های استفاده شده در برنامه‌ریزی درسی و شناسایی مشکلات آن‌ها باشد. پس از تحلیل تجربیات گذشته، باید از رویکردهای موفق گذشته استفاده کرد و آن‌ها را در رویکردهای برنامه‌ریزی درسی آینده به کار برد. به عنوان مثال، اگر یک رویکرد موفق در گذشته برای بهبود کیفیت آموزش و یادگیری از دیدگاه‌های مختلف استفاده شده است، می‌توان این رویکرد را در رویکردهای برنامه‌ریزی درسی آینده به کار برد. برای بهبود رویکردهای برنامه‌ریزی درسی، نیاز به توسعه رویکردهای جدید و مدرن با توجه به نیازهای جامعه و محدودیت‌های موجود در کشور وجود دارد. باید از تجربیات گذشته در توسعه این رویکردها استفاده کرد و مشکلات و نواقص رویکردهای قبلی را در رویکردهای جدید برطرف کرد. برای بهبود رویکردهای برنامه‌ریزی درسی، نیاز به ارزیابی و بازبینی مداوم و دوره‌ای آن‌ها وجود دارد. باید مشکلات و نواقص در رویکردهای برنامه‌ریزی درسی شناسایی و بهبود آن‌ها در دوره‌های آینده مورد توجه قرار گیرد. با توجه به پیشرفت تکنولوژی‌های نوین، رویکردهای برنامه‌ریزی درسی باید با این تکنولوژی‌ها هماهنگ شوند. باید از تجربیات گذشته در استفاده از تکنولوژی‌های نوین و تأثیر آن‌ها بر کیفیت آموزش و یادگیری بهره‌گیری شود (Ornstein & Hunkins, 2018).

در نهایت، استفاده از تجربیات گذشته در رویکردهای برنامه‌ریزی درسی می‌تواند بهبود کیفیت آموزش و یادگیری در آینده را تضمین کند. با توجه به نیازهای جامعه و محدودیت‌های موجود در کشور، باید رویکردهای برنامه‌ریزی درسی را با توجه به تجربیات گذشته و با استفاده از رویکردهای جدید و مدرن توسعه داد (Wiles & Bondi, 2015).

تاریخچه رویکردهای برنامه‌ریزی درسی را می‌توان به چند دوره اصلی تقسیم کرد: ۱- دوره سنتی (تا اوایل قرن بیستم)، در این دوره، برنامه‌ریزی درسی بیشتر بر اساس تجربیات و نیازهای روزمره انجام می‌شد و ساختار مشخصی نداشت. ۲- دوره علمی (اوایل قرن بیستم)، با انتشار کتاب «برنامه درسی» توسط فرانکلین بوبیت در سال ۱۹۱۸، برنامه‌ریزی درسی به عنوان یک حوزه علمی و تخصصی شناخته شد. ۳- دوره رفتارگرایی (دهه ۱۹۲۰ تا ۱۹۵۰)، در این دوره، نظریه‌های رفتارگرایی بر برنامه‌ریزی درسی تأثیر گذاشتند و تأکید بر اهداف آموزشی و نتایج قابل اندازه‌گیری بود. ۴- دوره شناخت‌گرایی (دهه ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰)، با ظهور نظریه‌های شناخت‌گرایی، تمرکز بر فرآیندهای ذهنی و یادگیری معنادار افزایش یافت. ۵- دوره ساخت‌گرایی (دهه ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۰)، در این دوره، تأکید بر یادگیری فعال و ساخت دانش توسط خود دانش‌آموزان بود. ۶- دوره پست‌مدرن (از دهه ۲۰۰۰ به بعد)، در این دوره، رویکردهای چندگانه و انعطاف‌پذیر در برنامه‌ریزی درسی مورد توجه قرار گرفتند و تأکید بر تنوع و تفاوت‌های فردی افزایش یافت (Alismail & McGuire, 2015).

مطالعه سیستماتیک در زمینه رویکردهای نوین برنامه‌ریزی درسی دارای اهمیت زیادی در حوزه تعلیم و تربیت دارد. این اهمیت به علت تاثیر مستقیم و غیرمستقیم این رویکردها بر فرآیند آموزش و یادگیری، توسعه مهارت‌ها، بهبود کیفیت تعلیم و تربیت، و بهبود نتایج آموزشی است. مطالعه سیستماتیک به محققان و برنامه‌ریزان درسی کمک می‌کند تا بهبودهای لازم در برنامه‌ها و مناطق معتبر تعلیم و تربیت اعمال کنند. این بهبودها می‌توانند شامل اصلاح مناطق مطالعه، توسعه رویکردهای نوین، و افزایش مطالب آموزشی باشند.

همین طور اطلاعات حاصل از مطالعات سیستماتیک به اساتید و معلمان کمک می‌کند تا مهارت‌ها و تکنیک‌های آموزشی خود را بهبود دهند و از رویکردهای نوین در طراحی و اجرای دروس خود بهره‌برداری کنند. از سوی دیگر از رویکردهای نوین برنامه‌ریزی درسی می‌تواند بهره‌وری در فرآیند آموزش و یادگیری را افزایش دهد. این رویکردها می‌توانند به معلمان کمک کنند تا محتوا را به شکل جذاب‌تری ارائه دهند و از تکنولوژی بهره‌برداری کنند.

باید در نظر داشت با تغییرات سریع در جوامع و فرهنگ‌ها، برنامه‌ریزان درسی باید به تغییرات نیازهای جامعه پاسخ دهند. مطالعه سیستماتیک به تحلیل نیازهای فعلی جامعه و توسعه رویکردهایی که با این نیازها سازگارند، کمک می‌کند. همچنین مطالعه سیستماتیک تحقیقات قبلی در زمینه رویکردهای نوین برنامه‌ریزی درسی را جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل می‌کند. این عمل به توسعه اندیشه و پژوهش در این حوزه کمک می‌کند و افراد را به تحقیقات بیشتر در این زمینه ترغیب می‌کند. این مطالعه برآن است مطالعه ای سیستماتیک از تحولات نوین رویکردهای برنامه‌ریزی درسی داشته باشد تا از این مسیر بر نقش این تحولات بر تعلیم و تربیت را ارزیابی کرده و یک برنامه ای آینده نگرانه برای آینده متصور شود.

روش

پژوهش سیستماتیک یک روش پژوهشی منظم و دقیق است که برای جمع‌آوری، تجزیه و تحلیل اطلاعات و اثبات علمی مسائل یا سوالات پژوهشی استفاده می‌شود. این روش به صورت دقیق و منظم به جستجو، انتخاب و تحلیل منابع اطلاعاتی مختلف می‌پردازد تا به پاسخ‌دهی به سوالات پژوهشی و ارائه توصیه‌ها یا نتایجی علمی برسد. در این پژوهش فرایند انجام مطالعه به شرح زیر صورت گرفت:

۱. تعریف سوال پژوهشی:

ابتدا سوال پژوهشی به دقت تعریف شد. این سوال در مورد چگونگی روند تحولات رویکردهای نوین برنامه‌ریزی درسی و تاثیرگذاری آن بر مولفه‌های وابسته به آن بود.

۲. جستجوی منابع اطلاعاتی: در این مرحله، منابع اطلاعاتی مرتبط با سوال پژوهشی را جستجو شد. این منابع شامل مقالات علمی، کتب، گزارش‌های تحقیقاتی بود. از پایگاه‌های داده علمی معتبر مانند PubMed، IEEE Xplore، Scopus و Google Scholar استفاده شد.

۳. انتخاب منابع: پس از جستجو، منابعی که به نظر می‌رسید مرتبط و مفید باشند انتخاب شد. انتخاب منابع بر اساس معیارهای مشخصی مانند تاریخ انتشار، اعتبار و روش‌شناسی مطالعات انجام گرفت.

۴. استخراج داده: اطلاعات مرتبط با پژوهش از منابع انتخاب شده استخراج گردید. این اطلاعات شامل داده‌ها، نتایج، روش‌شناسی تحقیقات قبلی و ... بود.

۵. ارزیابی کیفیت منابع: منابع انتخاب شده از نظر کیفیت مورد ارزیابی قرار گرفت. این ارزیابی با استفاده از معیارهای معتبری از جمله معتبر بودن اسناد صورت گرفت.

۶. تحلیل داده: در این مرحله، داده‌ها و اطلاعات استخراج شده از منابع مورد تحلیل قرار گرفت. از تحلیل محتوا برای استخراج اطلاعات مفید استفاده گردید.

۷. ارائه نتایج: نتایج تحلیل داده‌ها به صورت واضح و دقیق ارائه شد. این نتایج در راستای سوال پژوهشی بود.

یافته‌ها

۱. چه اصول و ایدئولوژی‌هایی در پایه‌گذاری برنامه‌ریزی درسی نوین مورد توجه قرار گرفته‌اند؟

پایه‌های گذاری برنامه‌ریزی درسی بر اساس اصول و ایدئولوژی‌های مختلفی انجام می‌شود. در سال‌های اخیر، با توجه به نیازهای جدید جامعه و تحولات فناوری، برنامه‌ریزی درسی باید با توجه به اصول و ایدئولوژی‌های زیر پایه‌گذاری شود:

۱. اصل تمرکز بر دانش‌آموز: برنامه‌ریزی درسی باید بر اساس نیازها و توانایی‌های دانش‌آموزان صورت گیرد و به دانش‌آموزان کمک کند تا بهترین طرح درسی را برای یادگیری خود داشته باشند.
 ۲. ایدئولوژی تعاملی: در برنامه‌ریزی درسی، بهتر است که به جای روش‌های کلاسیک و انفرادی، روش‌های تعاملی و گروهی را به کار گرفته شود تا دانش‌آموزان بتوانند با همکاری و تعامل با دیگران بهترین نتیجه را به دست آورند.
 ۳. اصل توسعه مهارت‌های کاربردی: در برنامه‌ریزی درسی، تمرکز بر توسعه مهارت‌های کاربردی و عملی برای دانش‌آموزان بسیار مهم است تا آن‌ها بتوانند در زندگی عملی بهترین عملکرد را از خود نشان دهند.
 ۴. ایدئولوژی توسعه پایدار: در برنامه‌ریزی درسی، توجه به مسائل محیطی و توسعه پایدار بسیار مهم است تا دانش‌آموزان بتوانند در آینده بهترین تصمیمات را برای حفظ محیط زیست و توسعه پایدار گرفت.
 ۵. اصل تعامل با جامعه: در برنامه‌ریزی درسی، توجه به ارتباط با جامعه و نیازهای آن بسیار مهم است تا آموزش و پرورش دانش‌آموزان با نیازهای جامعه هماهنگ شده و برای حل مسائل اجتماعی مورد نیاز به کار گرفته شود.
- این اصول و ایدئولوژی‌ها نشان می‌دهند که برنامه‌ریزی درسی باید با توجه به نیازهای جامعه و تحولات فناوری، بهبود یابد و به دانش‌آموزان کمک کند تا مهارت‌ها و توانایی‌های مورد نیاز را برای موفقیت در زندگی و کار به دست آورند (Goodlad, 1990).

۲. نظریه‌ها و مدل‌هایی که در برنامه‌ریزی درسی نوین مورد استفاده قرار گرفته‌اند، کدامند؟

در برنامه‌ریزی درسی امروزی، از چندین نظریه و مدل استفاده می‌شود. برخی از مهمترین آنها عبارتند از:

- ۱- نظریه یادگیری اجتماعی: این نظریه بر این اساس است که یادگیری دانش‌آموزان تحت تأثیر تعاملات اجتماعی است. بر این اساس، در برنامه‌ریزی درسی از روش‌هایی مانند گروه کاری، همکاری و تبادل نظر استفاده می‌شود.
- ۲- نظریه پردازش اطلاعات: این نظریه بیان می‌کند که یادگیری بر اساس فرایند پردازش اطلاعات در مغز انسان است. در برنامه‌ریزی درسی، از روش‌هایی مانند تدریس مفهومی، مسئله محور و کاربردی استفاده می‌شود.
- ۳- نظریه یادگیری سازماندهی شده: این نظریه بر این اساس است که یادگیری بیشتر در قالب ساختاری سازماندهی شده انجام می‌شود. در برنامه‌ریزی درسی، از روش‌هایی مانند تدریس بر اساس سوالات، جدول‌ها و نمودارها استفاده می‌شود.
- ۴- مدل یادگیری دانش محور: در این مدل، تمرکز بر روی دانش و مفاهیم است. به این صورت که در برنامه‌های درسی، مفاهیم و دانش‌های کلیدی ارائه می‌شود و دانش‌آموزان برای حل مسئله و پیش‌برد درس‌های خود از این مفاهیم استفاده می‌کنند.
- ۵- مدل یادگیری مبتنی بر مشارکت‌کننده: در این مدل، دانش‌آموزان به عنوان فعالانه‌ترین اعضای فرایند یادگیری در نظر گرفته می‌شوند و در فرایند یادگیری مشارکت می‌کنند. در برنامه‌ریزی درسی، از روش‌هایی مانند گروه کاری، بحث و تبادل نظر استفاده می‌شود (Alvermann & Phelps, 2005). به طور کلی، در برنامه‌ریزی درسی امروزی از یک ترکیب این نظریه‌ها و مدل‌ها استفاده می‌شود تا بهترین روش برای یادگیری و پرورش دانش‌آموزان شناسایی شود.

۳. چه تحولاتی در حوزه برنامه‌ریزی درسی نوین رخ داده است؟

در سال‌های اخیر، حوزه برنامه‌ریزی درسی با توجه به نیازهای جدید و تحولات فناوری و اجتماعی، تغییرات و بهبودهای زیادی را تجربه کرده است. برخی از این تحولات شامل موارد زیر است:

- برنامه‌ریزی درسی برای یادگیری مبتنی بر داده‌ها^۱ که با استفاده از داده‌های آموزشی و عملکرد دانش‌آموزان، برنامه‌ریزی درسی بهینه‌تر و مؤثرتر ایجاد می‌شود؛ استفاده از فناوری‌های جدید برای بهبود برنامه‌ریزی درسی، از جمله سیستم‌های مدیریت

¹ . Data-Driven Learning

یادگیری^۱ و بسترهای آموزشی آنلاین، که امکاناتی مانند ارائه منابع آموزشی تعاملی و فعالیت‌های یادگیری آنلاین را فراهم می‌کنند؛ توسعه برنامه‌ریزی درسی برای توانمندسازی دانش‌آموزان در حل مسائل مرتبط با مسائل اجتماعی، اقتصادی و محیط زیستی؛ برنامه‌ریزی درسی برای توسعه مهارت‌های کارآفرینی و کاربردی، از جمله مهارت‌های تحلیلی، تفکر انتقادی، مهارت‌های ارتباطی و همکاری؛ توسعه برنامه‌ریزی درسی برای توانمندسازی دانش‌آموزان در حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات^۲ از جمله آموزش مفاهیم کدنویسی، برنامه‌نویسی و توسعه وب؛ برنامه‌ریزی درسی برای توسعه مهارت‌های اندیشه‌ورزی و خلاقیت، از جمله آموزش تفکر خلاق و استفاده از روش‌های تفکر در مسائل پیچیده؛ توسعه برنامه‌ریزی درسی برای توانمندسازی دانش‌آموزان در حوزه ارتباطات بین فرهنگی، از جمله آموزش زبان‌های دیگر و فرهنگ‌های مختلف؛ برنامه‌ریزی درسی برای توسعه مهارت‌های اجتماعی و رفتاری، از جمله مهارت‌های مذاکره، حل اختلاف و تفاوت‌گرایی، همکاری و تعامل اجتماعی (Froelich, 2018).

این تحولات نشان می‌دهند که برنامه‌ریزی درسی در حال تغییر و بهبود است و به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا بهترین طرح درسی را برای یادگیری خود داشته باشند و بهترین مهارت‌ها و تجربیات را دریافت کنند. این تحولات نشان می‌دهند که برنامه‌ریزی درسی باید با توجه به نیازهای جدید و تحولات فناوری و اجتماعی، بهبود یابد و به دانش‌آموزان کمک کند تا مهارت‌ها و توانایی‌های مورد نیاز را برای موفقیت در زندگی و کار به دست آورند (Ancil, 2019).

برای پیاده‌سازی رویکردهای برنامه‌ریزی درسی جدید در مدارس، اقدامات مختلفی صورت گرفته است که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱- اصلاح برنامه‌های درسی: در این اقدام، برنامه‌های درسی جدید و با توجه به رویکردهای برنامه‌ریزی درسی طراحی شده و اصلاح شده‌اند. این برنامه‌ها شامل درسنامه‌های جدید، فعالیت‌های عملی، پروژه‌ها و آزمون‌های جدید هستند.
- ۲- ارتقای تخصص معلمان: برای پیاده‌سازی رویکردهای برنامه‌ریزی درسی جدید، معلمان باید از تخصص و مهارت‌های لازم برخوردار باشند. برای این منظور، دوره‌های آموزشی مختلفی برای آنها برگزار شده است.
- ۳- ارائه منابع آموزشی: برای پیاده‌سازی رویکردهای برنامه‌ریزی درسی جدید منابع آموزشی مختلفی نیز ارائه شده است. این منابع شامل کتب درسی، مجموعه‌های آموزشی، نرم‌افزارهای آموزشی و تجهیزات آموزشی مختلف هستند.
- ۴- ارزیابی و بازخورد: در این اقدام، عملکرد دانش‌آموزان بر اساس رویکردهای برنامه‌ریزی درسی جدید ارزیابی و بازخورد داده می‌شود. این بازخورد به معلمان و دانش‌آموزان کمک می‌کند تا در فرایند یادگیری بهبود بیشتری داشته باشند.
- ۵- همکاری با والدین: برای پیاده‌سازی رویکردهای برنامه‌ریزی درسی جدید، همکاری با والدین نیز بسیار مهم است. این همکاری شامل جلسات انتقال اطلاعات، همکاری در تعیین اهداف و برنامه‌ریزی برای دانش‌آموزان و ارائه نظرات و پیشنهادات مختلف می‌باشد.
- ۶- استفاده از فناوری: در پیاده‌سازی رویکردهای برنامه‌ریزی درسی جدید، استفاده از فناوری نیز بسیار مهم است. این فناوری شامل نرم‌افزارها، پلتفرم‌های آموزشی، ویدئوهای آموزشی و دستگاه‌های هوشمند است. استفاده از این فناوری‌ها به معلمان و دانش‌آموزان کمک می‌کند تا در فرایند یادگیری بهترین نتیجه را به دست آورند (OECD, 2019).

به طور کلی، پیاده‌سازی رویکردهای برنامه‌ریزی درسی جدید، نیاز به همکاری و هماهنگی بین معلمان، دانش‌آموزان، والدین و مدیران مدارس دارد. این رویکردها باعث می‌شوند تا یادگیری دانش‌آموزان بهتر و موثرتر از قبل باشد و به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا در زندگی و شغل خود موفق‌تر باشند.

۴. چه تغییراتی در نظام‌ها و سیاست‌های آموزشی به عنوان پاسخ به تحولات در رویکردهای برنامه‌ریزی درسی رخ داده است؟

تحولات در رویکردهای برنامه‌ریزی درسی، نظام‌ها و سیاست‌های آموزشی را نیز تحت تأثیر خود قرار داده است. برای پاسخ به این تحولات، تغییراتی در سیاست‌های آموزشی اتخاذ شده است که برخی از آنها عبارتند از:

^۱ . LMS

^۲ . ICT

۱. توجه بیشتر به آموزش و پرورش دانش‌آموزمحور: با توجه به تحولات در رویکردهای برنامه‌ریزی درسی، در سیاست‌های آموزشی توجه بیشتری به دانش‌آموزمحوری شده است. در این سیاست‌ها، توانایی‌ها و نیازهای دانش‌آموزان در فرایند آموزش و پرورش مدنظر قرار می‌گیرد و برنامه‌ریزی درسی بر اساس این نیازها و توانایی‌ها طراحی می‌شود.

۲. استفاده از فناوری‌های جدید در آموزش و پرورش: با توجه به تحولات در رویکردهای برنامه‌ریزی درسی، در سیاست‌های آموزشی، استفاده از فناوری‌های جدید برای بهبود فرایند آموزش و پرورش تأکید شده است. به عنوان مثال، از کلاس‌های مجازی، سیستم‌های مدیریت یادگیری، لپ‌تاپ‌ها و تبلت‌ها برای تسهیل در فرایند آموزش و پرورش استفاده می‌شود.

۳. توسعه مهارت‌های فردی و اجتماعی: با توجه به تحولات در رویکردهای برنامه‌ریزی درسی، در سیاست‌های آموزشی، توجه بیشتری به توسعه مهارت‌های فردی و اجتماعی دانش‌آموزان شده است. به عنوان مثال، توسعه مهارت‌های ارتباطی، تفکر انتقادی و حل مسئله در برنامه‌ریزی درسی مدنظر قرار می‌گیرد.

۴. توجه به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان: با توجه به تحولات در رویکردهای برنامه‌ریزی درسی، در سیاست‌های آموزشی، توجه بیشتری به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان شده است. در این سیاست‌ها، توانایی‌ها و نیازهای دانش‌آموزان در فرایند آموزش و پرورش مدنظر قرار می‌گیرد و تلاش می‌شود تا به هر دانش‌آموز به‌صورت جداگانه رسیدگی شود (سازمان همکاری و توسعه OECD, 2019).

بنابراین، می‌توان گفت که تحولات در رویکردهای برنامه‌ریزی درسی، سیاست‌های آموزشی را نیز تحت تأثیر خود قرار داده است و تغییراتی در این سیاست‌ها رخ داده است که بیشتر توجه به دانش‌آموزمحوری، استفاده از فناوری‌های جدید، توسعه مهارت‌های فردی و اجتماعی و تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان را مدنظر قرار می‌دهد.

۵. چه رویکردهایی در برنامه‌ریزی درسی در قرن بیستم شکل گرفته است؟

در قرن بیستم، رویکردهای مختلفی در برنامه‌ریزی درسی شکل گرفته است. در زیر به برخی از این رویکردها اشاره می‌کنیم:

۱- رویکرد تکنولوژیک: با پیشرفت فناوری، رویکرد تکنولوژیک در برنامه‌ریزی درسی مطرح شد. این رویکرد بر آموزش فناوری‌های جدید، توسعه مهارت‌های دیجیتال دانش‌جویان و استفاده از روش‌های جدید آموزشی مبتنی بر فناوری تمرکز دارد.

۲- رویکرد محتوایی: در این رویکرد، توجه به محتوای آموزشی و ارائه محتوای به‌روز و جامع به فراگیران دارای اهمیت بالایی است. این رویکرد بر آموزش مهارت‌های عملی و کاربردی و توسعه دانش فنی و علمی فراگیران تأکید دارد.

۳- رویکرد مبتنی بر مشارکت: این رویکرد بر مشارکت فراگیران در فرایند آموزش و پرورش تأکید دارد. در این رویکرد، دانش‌جویان به عنوان فردی فعال و مستقل در فرایند آموزش و پرورش شرکت می‌کنند و نقش فعالی در تصمیم‌گیری‌های مرتبط با آموزش و پرورش دارند.

۴- رویکرد مبتنی بر توسعه پایدار: در این رویکرد، توجه به آموزش و پرورش با تأکید بر توسعه پایدار و محیط زیست دیده می‌شود. این رویکرد بر آموزش مفاهیم محیط زیست و توسعه پایدار در برنامه‌های درسی تأکید دارد.

۵- رویکرد مبتنی بر توانمندسازی فردی: در این رویکرد، توجه به توانمندسازی فردی فراگیران و توسعه مهارت‌های فردی و اجتماعی آن‌ها دیده می‌شود. این رویکرد بر آموزش مهارت‌های ارتباطی، تفکر انتقادی و توانایی‌های حل مسئله در برنامه‌های درسی تأکید دارد (Schiro & Pintrich, 2013).

این رویکردها و الگوها همچنان در برنامه‌ریزی درسی مدرن به کار گرفته می‌شوند و با توجه به تغییرات جامعه و نیازهای جدید، رویکردهای جدیدی نیز ایجاد شده‌اند. به عنوان مثال، در برنامه‌ریزی درسی مدرن، توجه به توسعه مهارت‌های انتقالی مانند توانایی همکاری و تعامل اجتماعی، توانایی‌های رهبری، توانایی‌های فرهنگی و زبانی و... مورد تأکید قرار می‌گیرد. همچنین، با توجه به تغییرات جامعه و نیازهای جدید، توجه به آموزش مهارت‌هایی مانند کسب و کار، کارآفرینی، توسعه فردی و حرفه‌ای و... نیز در برنامه‌ریزی درسی مدرن به چشم می‌خورد. همچنین، در برنامه‌ریزی درسی مدرن، توجه به آموزش مفاهیم مرتبط با تحولات جامعه و فناوری نیز دیده می‌شود. به عنوان مثال، آموزش مفاهیم مرتبط با هوش مصنوعی، اینترنت اشیا، بلاکچین، امنیت سایبری، داده کاوی و... در برنامه‌های درسی مدرن محل توجه قرار می‌گیرد. در برنامه‌ریزی درسی مدرن، توجه به آموزش مهارت‌های اجتماعی و فرهنگی نیز دیده می‌شود. با توجه به تنوع فرهنگی و گسترش روابط بین‌المللی، آموزش مفاهیم مرتبط با فرهنگ‌ها، زبان‌ها، تاریخ و جغرافیا، و توسعه توانایی‌های ارتباطی و تعاملی با فرهنگ‌های مختلف در برنامه‌های درسی مدرن مورد تأکید قرار می‌گیرد.

در کل، برنامه‌ریزی درسی مدرن با توجه به تحولات جامعه و فناوری و نیازهای جدید، به دنبال آموزش فراگیران با مهارت‌های گسترده و چندجانبه است که به آن‌ها اجازه می‌دهد تا با توجه به نیازهای جدید جامعه، در زمینه‌های مختلف موفقیت‌آمیز باشند (Trilling & Fadel, 2009).

۶. چه اصول و الگوهای تدریس در این نظریه‌ها و مدل‌ها وجود دارد و چگونه اجرا می‌شوند؟

در نظریه‌ها و مدل‌های برنامه‌ریزی درسی، چند اصل و الگو وجود دارد که بهترین شیوه برای طراحی و اجرای برنامه‌های درسی را به دست می‌دهند برخی از اصول و الگوهای مهم در نظریه‌ها و مدل‌های برنامه‌ریزی درسی عبارتند از:

۱- تأکید بر یادگیری فعال: در برنامه‌ریزی درسی، تأکید بر یادگیری فعال و دانش‌آموز محور است. به عبارت دیگر، دانش‌آموزان باید در فرایند یادگیری خود فعالیت کنند و در فرایند یادگیری شرکت کنند.

۲- تأکید بر یادگیری معنادار: یادگیری معنادار به معنای این است که دانش‌آموزان باید در فرایند یادگیری خود به دنبال مفاهیم و ارتباطات استفاده‌پذیر باشند. برای این منظور، از روش‌های مانند تدریس مفهومی و مسئله محور استفاده می‌شود.

۳- تأکید بر یادگیری تعاملی: در این الگو، تأکید بر تعامل دانش‌آموزان با یکدیگر و با محتوای درسی است. این تعامل شامل فعالیت‌هایی مانند گفتگو، گروه کاری و تبادل نظر است.

۴- تأکید بر یادگیری مبتنی بر مشارکت‌کننده: در این الگو، دانش‌آموزان به عنوان فعالانه‌ترین اعضای فرایند یادگیری در نظر گرفته می‌شوند و در فرایند یادگیری مشارکت می‌کنند.

۵- تأکید بر یادگیری توسعه‌ای: در این الگو، یادگیری به عنوان فرایندی مداوم و توسعه‌ای در نظر گرفته می‌شود. به بیان دیگر، فرایند یادگیری به دنبال بهبود و توسعه مستمر است (Morrison et al, 2013).

برخی از الگوهای برآمده از اصول برنامه‌ریزی درسی عبارتند از:

۱- الگوی درس معکوس: در این الگو، فرایند یادگیری برعکس الگوی سنتی انجام می‌شود. به عبارت دیگر، ابتدا مفاهیم و محتواها به دانش‌آموزان ارائه می‌شوند و سپس آن‌ها به صورت فعال و به کمک مسائل و چالش‌هایی که به آن‌ها ارائه می‌شود، این مفاهیم را درک و به کار می‌گیرند.

۲- الگوی یادگیری بر پایه مشارکت: در این الگو، دانش‌آموزان در فرایند یادگیری خود فعالیت می‌کنند و در گروه‌های کوچک یا بزرگ، با یکدیگر همکاری می‌کنند. در این الگو، تأکید بر تعامل و مشارکت دانش‌آموزان با یکدیگر و با محتوای درسی است.

۳- الگوی یادگیری مبتنی بر مفهوم: در این الگو، تأکید بر این است که دانش‌آموزان به دنبال مفاهیم و ارتباطات استفاده‌پذیر باشند. در این الگو، به جای تمرکز بر جزئیات و جزئیات فنی، تلاش می‌شود تا مفاهیم و اصول اصلی به دانش‌آموزان ارائه شود.

۴- الگوی یادگیری مبتنی بر مسئله: در این الگو، تمرکز بر روی حل مسئله و کاربردی بودن محتوای درسی است. در این الگو، دانش‌آموزان به دنبال پاسخ به سوالات و حل مسئله هستند و در این فرایند، مفاهیم و محتوای درسی را درک می‌کنند.

۵- الگوی یادگیری مبتنی بر طرح درس: در این الگو، طرح درس به عنوان ابزاری برای برنامه‌ریزی و طراحی برنامه‌های درسی استفاده می‌شود. در این الگو، اهمیت به توصیف شیوه‌های آموزشی، روش‌های ارزیابی و اهداف فراگیری داده می‌شود (Joyce et al, 2014).

این الگوها و اصول در برنامه‌ریزی درسی، با توجه به نیازهای و ویژگی‌های مختلف دانش‌آموزان و محتوای درسی، به شیوه‌های مختلفی اجرا می‌شوند. به عنوان مثال، در یک کلاس درس تاریخ، ممکن است از الگوی یادگیری بر پایه مشارکت استفاده شود، در حالی که در یک کلاس ریاضی، الگوی یادگیری مبتنی بر مسئله مورد استفاده قرار گیرد. در هر صورت، برای برنامه‌ریزی درسی موثر و کارآمد، مهم است که اصول و الگوهای مختلف را در نظر گرفته و با توجه به نیازهای دانش‌آموزان و محتوای درسی، برنامه‌های درسی مناسبی طراحی و اجرا شود (Reigeluth, 1983).

۷. آیا تغییرات در برنامه ریزی درسی منجر به تغییر در روش های تدریس و ارزیابی و سنجش عملکرد دانش آموزان شده است؟

با توجه به اینکه رویکردهای برنامه‌ریزی درسی جدید، بر اساس تحقیقات و یافته‌های جدید در حوزه آموزش و یادگیری طراحی شده‌اند، معلمان نیاز دارند تا با این رویکردها آشنا شوند و نحوه تدریس خود را بر اساس این رویکردها تغییر دهند. برای مثال، در

رویکردهای برنامه‌ریزی درسی جدید، دانش‌آموزان باید بیشتر در فرایند یادگیری شرکت کنند و خودشان مسئولیت یادگیری خود را بر عهده بگیرند. به همین دلیل، معلمان باید به دانش‌آموزان فرصت بیشتری برای انجام فعالیت‌های عملی، حل مسئله و یادگیری از طریق تجربه بدهند (Reis & Renzulli, 2005).

علاوه بر این، در رویکردهای برنامه‌ریزی درسی جدید، باید از روش‌های یادگیری فعال و شرکتی استفاده کرد. این روش‌ها شامل گروه‌بندی‌های کوچک، بحث و تبادل نظر، استفاده از بازی‌های آموزشی و فعالیت‌های گروهی هستند. بنابراین، معلمان نیاز دارند تا با این روش‌ها آشنا شوند و بتوانند آنها را در کلاس‌های خود به کار ببرند (OECD, 2019).

می‌توان گفت تغییرات در برنامه‌ریزی درسی منجر به تغییر در روش‌های ارزیابی و سنجش عملکرد دانش‌آموزان شده است. در رویکردهای برنامه‌ریزی درسی دانش‌آموز محور، تمرکز بر توانایی‌ها و نیازهای دانش‌آموزان است و این تمرکز در روش‌های ارزیابی و سنجش عملکرد دانش‌آموزان نیز دیده می‌شود.

در رویکرد دانش‌آموز محور، برای ارزیابی و سنجش عملکرد دانش‌آموزان از روش‌هایی مانند ارزیابی فرایندی، ارزیابی پایانی، سنجش رفتار عملی و سنجش توانایی‌های عملی استفاده می‌شود. در این روش‌ها، توانایی‌ها و نیازهای فردی دانش‌آموزان در فرایند ارزیابی و سنجش مدنظر قرار می‌گیرد و به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا بهترین نتیجه را در یادگیری خود به دست آورند. در این رویکرد، ارزیابی فرایندی به عنوان یک روش ارزیابی مستمر و طولانی‌مدت استفاده می‌شود. در این روش، دانش‌آموزان در فرایند یادگیری خود ارزیابی می‌شوند و بازخورد دریافت می‌کنند تا بتوانند روند یادگیری خود را بهبود ببخشند. همچنین، در این روش، به دانش‌آموزان فرصت داده می‌شود تا در فرایند یادگیری خود کاربردی و عملیاتی باشند.

علاوه بر این، در رویکرد دانش‌آموز محور، از سنجش رفتار عملی و توانایی‌های عملی برای ارزیابی عملکرد دانش‌آموزان استفاده می‌شود. در این روش، دانش‌آموزان می‌توانند توانایی‌های خود را در کاربردهای عملی واقعی ارائه کنند و در فرایند یادگیری خود بهترین نتیجه را به دست آورند (OECD, 2019).

بنابراین، می‌توان گفت که تغییرات در برنامه‌ریزی درسی منجر به تغییر در روش‌های ارزیابی و سنجش عملکرد دانش‌آموزان شده است و روش‌هایی مانند ارزیابی فرایندی، ارزیابی پایانی، سنجش رفتار عملی و سنجش توانایی‌های عملی در فرایند ارزیابی و سنجش مدنظر قرار گرفته‌اند. همچنین، تمرکز بر توانایی‌ها و نیازهای دانش‌آموزان در فرایند ارزیابی و سنجش مدنظر قرار می‌گیرد که به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا بهترین نتیجه را در یادگیری خود به دست آورند (همان).

بحث و نتیجه‌گیری

تحولات نوین در رویکردهای برنامه‌ریزی درسی نشان‌دهنده تغییرات اساسی در نحوه آموزش و یادگیری است. این تحولات شامل استفاده از فناوری‌های نوین، رویکردهای میان‌رشته‌ای، و تمرکز بر یادگیری مبتنی بر پروژه و مسئله محور است. این تغییرات نه تنها به بهبود کیفیت آموزش کمک می‌کنند، بلکه به دانش‌آموزان کمک می‌کنند تا مهارت‌های حیاتی برای قرن بیست و یکم را کسب کنند.

یکی از مهم‌ترین جنبه‌های این تحولات، استفاده از فناوری‌های دیجیتال در کلاس‌های درس است. این فناوری‌ها امکان دسترسی به منابع آموزشی گسترده‌تر و متنوع‌تر را فراهم می‌کنند و به دانش‌آموزان اجازه می‌دهند تا به شیوه‌های مختلف یاد بگیرند. همچنین، رویکردهای میان‌رشته‌ای به دانش‌آموزان کمک می‌کنند تا ارتباطات بین موضوعات مختلف را درک کنند و به تفکر انتقادی و خلاقانه بپردازند.

در نتیجه، تحولات نوین در رویکردهای برنامه‌ریزی درسی نقش بسیار مهمی در بهبود تعلیم و تربیت دارند. این تحولات به دانش‌آموزان کمک می‌کنند تا مهارت‌های لازم برای موفقیت در دنیای پیچیده و متغیر امروز را کسب کنند. با استفاده از فناوری‌های نوین و رویکردهای میان‌رشته‌ای، می‌توان به آموزش و یادگیری پویاتر و مؤثرتری دست یافت. بنابراین، لازم است که سیاست‌گذاران و مربیان به این تحولات توجه ویژه‌ای داشته باشند و آنها را در برنامه‌های آموزشی خود به کار گیرند تا بتوانند

در کل، برای ارتقا و بهبود رویکردهای برنامه‌ریزی درسی در آینده، باید به استفاده از فناوری‌های نوین، توجه به نیازهای فردی دانش‌آموزان، توسعه مهارت‌های زندگی، همکاری بین مدارس، مشارکت دانش‌آموزان و آموزش مداوم

معلمان توجه کرد. همچنین، باید در نظر داشت که تحولات و تغییرات در برنامه‌ریزی درسی نیازمند زمان و صبر هستند و نباید انتظارات بالایی از آنها داشته شود. برخی ایده‌های دیگر برای ارتقا و بهبود رویکردهای برنامه‌ریزی درسی در آینده عبارتند از:

۱- استفاده از رویکردهای یادگیری فعال: در رویکردهای برنامه‌ریزی درسی، باید از رویکردهای یادگیری فعال استفاده شود. به این صورت که دانش‌آموزان در فرایند یادگیری خود مشارکت کنند و فعالیت‌های یادگیری را خودشان انجام دهند.

۲- توسعه تفکر کلی‌نگرانه: در رویکردهای برنامه‌ریزی درسی، باید به توسعه تفکر کلی‌نگرانه نیز توجه شود. این نوع تفکر، به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا مسائل را به صورت جامع و سیستماتیک بررسی کنند و به راه‌حل‌های بهتری برای آنها برسند.

۳- استفاده از ارزیابی فرایندی: در رویکردهای برنامه‌ریزی درسی، از ارزیابی فرایندی برای ارزیابی یادگیری دانش‌آموزان استفاده شود. این نوع ارزیابی، به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا در فرایند یادگیری خود بهبود یابند و به صورت مستمر روی خود کار کنند.

۴- توجه به تنوع فرهنگی: در رویکردهای برنامه‌ریزی درسی، باید به تنوع فرهنگی نیز توجه شود. برنامه‌ریزی درسی باید به گونه‌ای باشد که به تمامی دانش‌آموزان، بدون توجه به فرهنگ و نژادشان، فرصت یادگیری برابری داده شود.

۵- توسعه مهارت‌های دیجیتال: با توجه به پیشرفت فناوری، توسعه مهارت‌های دیجیتالی در دانش‌آموزان از اهمیت بالایی برخوردار است. در رویکردهای برنامه‌ریزی درسی، باید به توسعه این مهارت‌ها نیز توجه شود.

۶- استفاده از رویکردهای یادگیری هم‌زمان: در رویکردهای برنامه‌ریزی درسی، می‌توان از رویکردهای یادگیری هم‌زمان استفاده کرد. به این صورت که دانش‌آموزان در فرایند یادگیری خود، از چندین رویکرد یادگیری مختلف بهره ببرند.

در کل، برای ارتقا و بهبود رویکردهای برنامه‌ریزی درسی در آینده، باید به استفاده از رویکردهای یادگیری فعال، توسعه تفکر کلی‌نگرانه، استفاده از ارزیابی فرایندی، توجه به تنوع فرهنگی، توسعه مهارت‌های دیجیتالی و مشارکت دانش‌آموزان در فرایند یادگیری نیز توجه شود. همچنین، باید به توسعه مهارت‌های زندگی و مشارکت دانش‌آموزان در فرایند یادگیری نیز توجه شود. این پیشنهادات، در راستای بهبود کیفیت یادگیری دانش‌آموزان و ارتقای رویکردهای برنامه‌ریزی درسی در آینده است. همچنین، باید به این نکته توجه کرد که برای ارتقای رویکردهای برنامه‌ریزی درسی، نیاز است که تمامی ارکان آموزشی شامل دانش‌آموزان، معلمان، والدین و مدیران مدارس، همکاری کنند و به یکدیگر اعتماد کنند.

برای بهبود رویکردهای برنامه‌ریزی درسی در آینده، باید از رویکردهای یادگیری فعال، توسعه تفکر کلی‌نگرانه، استفاده از ارزیابی فرایندی، توجه به تنوع فرهنگی، توسعه مهارت‌های دیجیتالی و استفاده از رویکردهای یادگیری هم‌زمان استفاده کرد. همچنین، باید به توسعه مهارت‌های زندگی و مشارکت دانش‌آموزان در فرایند یادگیری نیز توجه شود. برای ارتقای رویکردهای برنامه‌ریزی درسی، باید تمامی ارکان آموزشی شامل دانش‌آموزان، معلمان، والدین و مدیران مدارس، همکاری کنند و به یکدیگر اعتماد کنند. برای بهبود آموزش، موضوعات دیگری نیز وجود دارند که می‌توان آنها را بررسی کرد. برخی از این موضوعات عبارتند از:

- اهمیت آموزش کودکان در سنین پیش از دبستان: تحقیقات نشان می‌دهد که آموزش کودکان در سنین پیش از دبستان برای ایجاد پایه‌های موفقیت در آینده بسیار حائز اهمیت است.

- مزایای یادگیری تجربی: یادگیری تجربی شامل یادگیری از طریق عمل است و نشان داده شده است که روش موثری برای بهبود اشتیاق و جذب دانش‌آموزان است.

- نیاز به یادگیری شخصی سازی شده: هر دانش‌آموز منحصر به فرد است با نقاط ضعف و قوت، علایق و سبک یادگیری خود. یادگیری شخصی سازی شده به معنای تنظیم آموزش برای برآورده شدن نیازهای هر دانش‌آموز به منظور بهبود عملکرد آنان است.

- نقش فناوری در آموزش: فناوری قابلیت تحول در آموزش را دارد، با این حال مهم است که فناوری به گونه‌ای استفاده شود که یادگیری را پشتیبانی کند و از آن بهره‌مندی مؤثری صورت گیرد.

- اهمیت توسعه حرفه‌ای معلمان: معلمان ستون فقرات سیستم آموزشی هستند و باید اطمینان حاصل شود که آن‌ها از فرصت‌های آموزشی مداوم برای بازبینی و به‌روزرسانی دانش خود بهره‌مند شوند.

بی تردید برنامه‌ریزی درسی در کشور ما نیز باید به این تغییرات پاسخگو باشد. در حقیقت، بسیاری از مسئله‌هایی که در بخش قبلی مطرح شد، در کشور ما نیز وجود دارند و برای بهبود آموزش و پرورش، باید به این مسائل توجه شود. در حوزه فناوری، در سال‌های اخیر توسعه آموزش الکترونیکی و پلتفرم‌های آموزشی اینترنتی در کشور ما رونق گرفته است. همچنین، استفاده از وسایل فناوری در کلاس درس نیز در حال گسترش است. با این حال، بسیاری از مدارس هنوز به این تغییرات پاسخگو نیستند و نیاز به سرمایه‌گذاری در زمینه فناوری و آموزش الکترونیکی دارند.

در حوزه اجتماعی، توسعه مهارت‌های ارتباطی و همکاری، توجه به تفکر بین‌فرهنگی و توسعه مهارت‌های زندگی در برنامه‌ریزی درسی کشور ما نیز باید مورد توجه قرار گیرد. در حوزه اقتصادی، توسعه مهارت‌های کارآفرینی و مهارت‌های اقتصادی در برنامه‌ریزی درسی کشور ما بسیار مهم است، زیرا توسعه این مهارت‌ها به کشور کمک می‌کند تا از دور از رقابت جهانی عقب نماند.

با توجه به تغییرات فرهنگی، نیاز به توسعه مهارت‌های فرهنگی و تفکر انتقادی در برنامه‌ریزی درسی کشور ما نیز وجود دارد.

در کل، برای پاسخگویی به تغییرات جدید در حوزه آموزش و پرورش، باید برنامه‌ریزی درسی را به گونه‌ای تغییر داد تا با نیازهای جدید جامعه سازگار باشد. به همین دلیل، نیاز به همکاری بین مدارس، دانشگاه‌ها، سازمان‌های آموزشی و دولت وجود دارد تا بتوان به بهبود آموزش و پرورش در کشورمان دست یافت.

مشارکت نویسندگان

مقاله حاضر نتیجه پژوهش نویسنده مذکور در فایل مقاله می باشد.

تشکر و قدردانی

تعارض منافع

«هیچ‌گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است»

References

- Abdi, A. A., & Giroux, H. A. (2013). *Curriculum leadership: Strategies for development and implementation* (3rd ed.). Thousand Oaks, CA: Sage Publications.
- Alismail, H. A., & McGuire, P. (2015). 21st century standards and curriculum: Current research and practice. *Journal of Education and Practice*, 6(6), 150-154. Retrieved from [ERIC](#).
- Alvermann, D. E., & Phelps, S. F. (2005). *Theoretical Models of Learning and Literacy Development*. Routledge.
- American Psychological Association. (2020). *Publication manual of the American Psychological Association* (7th ed.). Washington, DC: Author.
- Anctil, E. J. (2019). Current Trends in Curriculum Development. *Education Sciences*, 9(2), 135.
- Froelich, K. S. (2018). Recent Trends and Developments in Curriculum Planning. *Journal of Curriculum and Instructional Studies*, 6(11), 1-8.
- Genovesi, V. D., Cooper, B. D., & Salgado, M. F. S. (Eds.). (2016). *Curriculum studies handbook: The next moment*. New York, NY: Routledge.
- Goodlad, J. I. (1990). The principles and ideologies of curriculum planning. In W. F. Pinar (Ed.), *Curriculum Inquiry: The Study of Curriculum Practice* (pp. 19-50). Routledge.
- Gredler, M. E. (2016). *Learning and Instruction: Theory into Practice* (7th Edition). Pearson.
- Hoveyda, F. (1991). *Education in Iran: From the Qajars to the Islamic Republic*. New York, NY: St. Martin's Press.
- Jackson, A., & Davis, J. (2019). *Curriculum: Foundations, principles, and issues* (8th ed.). Boston, MA: Pearson Education.
- Joyce, B. R., Weil, M., & Calhoun, E. (2014). *Models of Teaching*. Pearson.
- Jung, J. Y. (2019). *Handbook of Research on Curriculum Reform Initiatives in English Education*. Hershey, PA: IGI Global.
- Keating, S. B. (2018). *Curriculum development and evaluation in nursing* (4th ed.). New York, NY: Springer Publishing Company.
- Kohn, A. (2003). *The Wrong Kind of Different: Challenging the Meaning of Diversity in American Classrooms*. Heinemann.
- Lawton, D. (2014). *Education and society: An introduction to key issues in the sociology of education* (4th ed.). London, UK: Routledge.
- Markham, T., Larmer, J., & Ravitz, J. (2013). *Project-Based Learning: A Handbook for Middle and High School Teachers* (2nd Edition). Buck Institute for Education.
- Morrison, G. R., Ross, S. M., & Kemp, J. E. (2013). *Designing Effective Instruction* (7th Edition). Wiley.
- Ornstein, A. C., & Hunkins, F. P. (2018). *Foundations of curriculum: An interdisciplinary approach* (7th ed.). Upper Saddle River, NJ: Pearson Education.
- Pinar, W. F. (Ed.). (2014). *Handbook of Curriculum Development* (2nd ed.). Thousand Oaks, CA: SAGE Publications.
- Powell, G. A., & Herman, N. A. (2014). *Curriculum development: Theory into practice* (5th ed.). Upper Saddle River, NJ: Pearson Education.
- Pulliam, J. D., & Van Patten, J. D. (2013). *A History of American Education* (2nd ed.). New York, NY: Routledge.
- Reigeluth, C. M. (Ed.). (1983). *Instructional Design: Theories and Models: An Overview of Their Current Status*. Lawrence Erlbaum Associates.
- Reis, S. M., & Renzulli, J. S. (2005). *Curriculum Development and Teaching Strategies for Gifted Learners*. Prufrock Press.
- Schiro, M., & Pintrich, P. R. (2013). *Curriculum Theory: Conflicting Visions and Enduring Concerns* (2nd ed.). Sage Publications.
- Trilling, B., & Fadel, C. (2009). *21st Century Skills: Learning for Life in Our Times*. John Wiley & Sons.
- Wiles, J. L. (2009). *Foundations of curriculum development: An overview* (7th ed.). Boston, MA: Pearson Education.
- Wiles, J. W., & Bondi, J. C. (2019). *Curriculum Development: A Guide to Practice*. Pearson.
- Wiles, J. W., & Bondi, J. D. (2015). *Curriculum Development: A Guide to Practice* (9th ed.). Boston, MA: Pearson Education.